

شبکه معنایی حرف اضافه فارسی "از" در چهارچوب معنی شناسی شناختی

*کیوان زاهدی
دانشیار زبان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

عاطفه محمدی زیارتی
کارشناس ارشد دانشگاه شهید بهشتی

E-mail: kzahedi@sbu.ac.ir

هدف: پژوهش حاضر به بررسی یکی از پرکاربردترین حروف اضافه زبان فارسی، "از"، در چهارچوب معناشناسی شناختی می‌پردازد و قصد دارد با ارائه تحلیلی شناختی، مفهوم پیش‌نمونه و مفاهیم متمایز این حرف اضافه را مشخص و شبکه معنایی آن را ترسیم نماید. روش: ماهیت روش توصیفی - تحلیلی و نوع روش پیکره - بنیاد است. پیکره انتخاب شده فرهنگ سخن انوری است و ابزار به کار گرفته شده، ابزار معنی‌شناسی شناختی است؛ مانند ابزارهای مقوله‌بندی، پیش‌نمونه، طرحواره‌های شناختی، چیرگی معنایی، شبکه معنایی و منظر اعلی. نتیجه‌گیری: حرف اضافه "از" نشان می‌دهد ملاک‌های مشخص شده برای تعیین پیش‌نمونه از جمله بیشترین بسامد وقوع و ترکیب‌پذیری در مورد آن نیز صادق است. مفهوم پیش‌نمونه‌ای این حرف اضافه به عنوان مفهومی کانونی، شبکه‌ای معنایی ایجاد می‌نماید که معانی مستقیم و غیرمستقیم و همچنین عینی (فیزیکی) و انتزاعی (استعاره‌ای) در آن وجود دارند. این شبکه معنایی در خوشه‌بندی‌های متفاوت دسته‌بندی شده و جایگاه هر یک به صورت ساختاری شعاعی از مفهوم پیش‌نمونه، نشان داده شده است.

کلیدواژه‌ها: حرف اضافه، زبانشناسی شناختی، پیش‌نمونه، شبکه معنایی، چندمعنایی

Semantic Network of a Modern Persian Preposition: "Az" in a Cognitive Semantic Framework

Objective: The present research aims to examine the behavior of a widely used preposition in Modern Persian (Farsi), namely <az> within the framework of cognitive semantics. The analysis is geared towards determining the prototypical and various distinct senses of this preposition and proposing a semantic network for it. **Method:** The nature of the research is descriptive-analytical and the type is corpus-based. The selected corpus is Farhang-e Sokhan (Sokhan Dictionary) and the tools applied are those of cognitive semantics e.g. categorization tools, prototype, cognitive schemas, semantic predominance, semantic network and protoscene. **Conclusion:** <Az> shows that it fits the criteria for the determination of the prototypical sense of a linguistic item e.g. highest frequency of occurrence and composite formation. The prototypical sense of <Az> constitutes the core sense within a semantic network, which is presented. This network makes it possible to establish and explain the differences between the concrete and the abstract (metaphorical) functions of the preposition under study.

Keivan Zahedi*
Associate Professor of Linguistics,
Shahid Beheshti University

Atefeh Mohammadi Ziyarati
M.A. in Linguistics, Shahid Beheshti
University

E-mail: kzahedi@sbu.ac.ir

Keywords: Preposition, cognitive linguistics, prototype, semantic network, polysemy

مقدمه

کیوان زاهدی - عاطفه محمدی زیارتی

پیش‌نمونه‌بنیاد باشند. این موضوع نیز شایان توجه است که تاکنون هیچ دیدگاهی مانند معناشناسی شناختی نتوانسته است تحلیل دقیقی از حروف اضافه ارائه دهد، زیرا در نظریه‌های پیشین معنا همواره در یک رابطه ارجاعی و یک به یک میان صورت‌های زبانی و واقعیت‌های جهان خارج تبیین می‌شد. به طور کلی، یکی از مسایل مورد بحث در زبان‌شناسی شناختی، توصیف معنایی حروف اضافه است (بروگمن^۳، ۱۹۸۰؛ کویکنز^۴، ۱۹۹۴؛ شولز^۵، ۱۹۹۴؛ وندلوویس^۶، ۱۹۹۴؛ ساندراس^۷ و رایس^۸، ۱۹۹۵؛ بوئرز^۹، ۱۹۹۶؛ ناوارو فرراندو^{۱۰}، ۱۹۹۸).

براساس آنچه گفته شد، موضوع اصلی پژوهش حاضر، تحلیل معناشناختی پیش‌اضافه‌های مکانی «از» و «در» و ترسیم شبکه معنایی آنهاست. با توجه به تعداد مفاهیم ارائه شده در فرهنگ سخن، به نظر می‌رسد این حروف در زبان فارسی بسیار پرکاربردند و بررسی آنها اهمیت بیشتری دارد. با توجه به این مطلب، سئوال‌های پژوهش را می‌توان به این صورت مطرح کرد که براساس الگوی تایلر و ایونز، معنای پیش‌نمونه‌ای و مفاهیم متمایز حرف اضافه مکانی «از» چگونه تعیین می‌شود و نحوه ترسیم شبکه معنایی و ساختار شعاعی این حرف اضافه چگونه است؟ این مقاله علاوه بر مقدمه دارای بخش‌های زیر است:

- پیشینه که در آن پژوهش‌های پیشین در زمینه حروف اضافه فارسی در چهارچوب شناختی بررسی و سپس چهارچوب این پژوهش ارائه می‌شود.

از سال ۱۹۸۰، زبان‌شناسی شناختی مورد توجه و مطالعه زبان‌شناسان غربی همچون لیکاف^۱ و جانسون^۲ (۱۹۸۰)، فوکونیه^۳ (۱۹۸۵)، لانگاگر^۴ (۱۹۹۱)، تالمی^۵ (۲۰۰۰)، لی^۶ (۲۰۰۱) و کرافت^۷ و کرووز^۸ (۲۰۰۴) قرار گرفته است. از همان زمان، معناشناسی شناختی یکی از نگرش‌های غالب در بررسی‌های زبان‌شناختی به‌شمار آمد. همانند دیدگاه ساختگرای سوسور، به باور زبان‌شناسی شناختی، زبان نظامی نمادین و واحدهای نمادین این نظام محصول ارتباط هماهنگ صورت و معناست (کرافت و کرووز، ۲۰۰۴). در این نگرش که تحلیل‌های معنایی آن همواره مستند به یافته‌های علمی مانند روان‌شناسی و عصب‌شناسی است، چند مفهوم بنیادی قابلیت تعریف و استفاده دارند. از جمله این مفاهیم در سازوکار نظریه شناختی می‌توان به مقولات پیش‌نمونه‌ای^۹، چندمعنایی^{۱۰}، استعاره^{۱۱} و ساختار شعاعی^{۱۲} اشاره کرد.

در معناشناسی شناختی باور این است که دانش زبانی (به طور عام) و دانش معنایی (به طور خاص)، زیرمجموعه‌ای از شناخت در مفهوم کلی آن هستند. بر این اساس، مطالعات موجود مؤید آن است که مقوله‌بندی در ذهن انسان ابزاری پیش‌نمونه‌بنیاد است. در مقوله‌بندی پیش‌نمونه‌بنیاد، مقولات دارای ساختار شعاعی در نظر گرفته می‌شوند و فرض این است که عضویت پدیده‌ها و مفاهیم در هر مقوله به علت شباهت با یک نمونه کانونی در آن مقوله اتفاق می‌افتد.

در میان واژگان چندمعنا، حروف اضافه در همه زبان‌ها دارای گستره وسیعی از مفاهیم متفاوت هستند و از جمله واحدهای زبانی به‌شمار می‌روند که به دلیل ظرفیت بالای چندمعنایی و عرصه قابل توجه فراهم شده برای بسط‌های استعاری و دستوری می‌توانند نمونه خوبی برای الگوی

- | | |
|-------------------------|----------------------|
| 1- Lakoff | 11- metaphore |
| 2- Johnson | 12- radial structure |
| 3- Fauconnier | 13- Brugman |
| 4- Langacker | 14- Cuyckens |
| 5- Talmy | 15- Schulze |
| 6- Lee | 16- Vandeloise |
| 7- Croft | 17- Sandra |
| 8- Cruse | 18- Rice |
| 9- prototype categories | 19- Boers |
| 10- polysemy | 20- Navarro Ferrando |

- روش پژوهش

- تحلیل داده‌ها که در آن حرف اضافه «از» تحلیل معنایی شده و براساس چهارچوب نظری انتخاب شده، شبکه معنایی و ساختار شعاعی آن ترسیم می‌شود.

- نتیجه گیری

۲- پیشینه پژوهش

این بخش شامل دو قسمت است: ۱- پیشینه تحقیقات و مطالعات مرتبط؛ ۲- چهارچوب نظری پژوهش.

۱-۲- پیشینه پژوهش‌ها و مطالعات مرتبط

تعداد مطالعات مربوط به حروف اضافه با رویکرد شناختی در زبان فارسی چندان چشمگیر نیست و پژوهش‌های موجود به چند مقاله، پایان‌نامه کارشناسی ارشد و رساله دکترا محدود می‌شود. البته این محدودیت فقط شامل حروف اضافه نمی‌شود، بلکه به طور کلی مطالعات شناختی در ایران بسیار محدود است.

به نظر صفوی (۱۳۷۹) ویژگی بارز رویکرد شناختی، تلاش برای دستیابی به مبانی تجربی معناست. به اعتقاد معناشناسان شناختی، تجربه آدمی در رسیدن به مرحله ایجاد ارتباط در جامعه، ساخت‌های مفهومی بنیادی را در ذهن برمی‌انگیزد که درک و کاربرد زبان را ممکن می‌سازد.

دبیرمقدم (۱۳۸۶) به این نکته اشاره می‌کند که زبان در دستور شناختی، نظامی ذهنی و شناختی در نظر گرفته می‌شود و دیگر بحث استقلال زبان از قوای دیگر مطرح نیست و درک کامل نظام زبانی بدون درک کل نظام شناختی انسان میسر نمی‌شود.

گلفام (۱۳۸۵) و گلفام و یوسفی‌راد (۱۳۸۵)، زبان‌شناسی شناختی را بررسی کرده است. البته در این پژوهش‌ها نیز ازحرف اضافه تعریف دقیق مبتنی بر رویکرد شناختی ارائه نشده و حروف صرفاً در چهارچوب شناختی بررسی شده است.

نقی زاده (۱۳۸۴) در پایان‌نامه خود بافت‌های مورد نظر در زبان

فارسی را که در آنها حرف اضافه به کار رفته، در دو زبان انگلیسی و فارسی مقایسه و شباهت‌ها و تفاوت‌های آنها را استخراج کرده است. یوسفی راد (۱۳۸۷) در بررسی شناختی زبان فارسی، با نگاهی به حروف اضافه مکانی، در پی یافتن راهی بوده تا معانی مختلف حروف اضافه را به یکدیگر مرتبط و شبکه روابط معنایی آنها را ترسیم کند. در همین زمینه در سال ۸۵ نیز مقاله‌ای از وی با عنوان "بررسی حروف اضافه مکانی: مطالعه موردی در/توی" چاپ و در آن معناشناختی حرف اضافه «در» بررسی شده است.

سراجیان اردستانی (۱۳۸۸) با بررسی حروف اضافه فارسی در قالب معناشناسی شناختی سعی کرده است براساس ویژگی‌های معناشناسی شناختی (مانند استعاره، پیش‌نمونه و چندمعنایی)، حروف اضافه را طبقه بندی، توصیف و شبکه روابط معنایی آنها را ترسیم کند.

البته در پایان‌نامه‌های مرتبط با استعاره در زبان فارسی نیز به مواردی از بررسی حروف اضافه، معنای استعاری و کاربردهای مختلف آنها در ساخت‌های استعاری در زبان فارسی را در چهارچوب شناختی مطالعه و در قسمتی از پایان‌نامه خود حروف اضافه و نقش آنها را در ساخت ترکیب‌های استعاری در زبان فارسی بررسی کرده است. یوسفی‌راد (۱۳۸۲) نیز در بخشی از پایان‌نامه خود، نقش حروف اضافه زمانی زبان فارسی را در ترکیب‌های استعاری مطالعه و به برخی مفاهیم استعاری این حروف در آن اشاره کرده است.

۲-۲- چهارچوب نظری پژوهش

اساس زبان‌شناسی شناختی را می‌توان رویکردی دانست که در آن زبان وسیله‌ای برای سازماندهی، پردازش و انتقال اطلاعات در نظر گرفته می‌شود. به لحاظ روش شناختی، در این نوع زبان‌شناسی و به طور خاص در معناشناسی شناختی، تجزیه و تحلیل تصویری و تجربی مقوله‌های زبانی مورد توجه است.

از آنجا که در زبان‌شناسی شناختی، زبان بخشی از

یکدیگر صورت می گیرد (بروگمن، ۱۹۸۰؛ لیکاف، ۱۹۸۷؛ وندلوویس، ۱۹۹۱؛ کویکنز، ۱۹۹۵؛ بوئرز، ۱۹۹۶؛ ناوارو فرراندو، ۱۹۹۸).

رویکرد معناشناختی این پژوهش به حروف اضافه، رویکرد تایلر و ایونز (۲۰۰۳) است و موارد مورد نظر در بررسی آنها عبارت‌اند از:

در طبیعت، مفاهیم رمزگذاری شده به وسیله حروف اضافه، به شکل طرحواره‌های تصویری است، بنابراین ماهیتی تصویری دارند. به عبارت دیگر، حروف اضافه فقط به صورت دسته‌هایی از ویژگی‌های معنایی^{۱۴} قابل تعبیر نیستند (خلاف دیدگاه صورت‌گرا).

هر حرف اضافه در یک شبکه روابط فضایی^{۱۵}، همواره یک کمال مطلوب ذهنی انتزاعی^{۱۶} را برمی‌انگیزد که به عنوان عضو اصلی و اولیه شبکه معنایی آن حرف اضافه در نظر گرفته می‌شود.

این عضو اصلی همواره نشان‌دهنده عاملی کاربردی^{۱۷} است که از روابط مهم و مرتبط با کارکرد انسان و تعامل او با محیط فیزیکی مشتق می‌شود.

معانی اضافی در شبکه روابط معنایی، در یک قالب نظاممند و تقریباً غیردلخواه^{۱۸} گسترده می‌شوند.

ما مفید بودن رویکرد شناختی را در تحلیل حروف اضافه با بررسی حروف اضافه مکانی «از» و «در» نشان می‌دهیم. حروف اضافه به خوبی نشان می‌دهند که معنای حرف اضافه‌ای به صورت قاعده‌مند از حوزه فضایی و

توانایی‌های کلی انسان در نظر گرفته می‌شود، در بررسی آن موارد زیر دارای اهمیت است: الف- ابزارهای مقوله‌بندی^۱ در زبان‌های طبیعی (مدل‌های شناختی، تصاویر ذهنی، استعاره و...); ب- فصل مشترک مفاهیم در معناشناسی و نحو؛ ج- ارتباط میان زبان و تفکر (مسائل مربوط به نسبیّت و جهانی‌های تصویری).

در بررسی حروف اضافه در این چهارچوب، به دو مسئله اساسی توجه شده است:

اول، معنای حرف اضافه‌ای به عنوان یک معنای هسته‌ای^۲ بررسی می‌شود که در این حالت دو نکته قابل توجه است (ناوارو فرراندو، ۲۰۰۰):

الف- همه کاربردهای یک حرف اضافه به یک معنای هسته‌ای منتهی می‌شود که در کتاب‌های لغت به عنوان معنای اصلی مطرح است و بافت^۳ جنبه‌های دیگری از معنا را فراهم می‌آورد که به حرف اضافه مربوط نیست (لیچ^۴، ۱۹۶۹؛ بنت^۵، ۱۹۷۵).

ب- معنای اصلی در بافتهای متفاوت ظاهر می‌شود. این بافت‌ها اختلاف‌های جزئی میان معانی مختلف تخصیص داده شده به حرف اضافه را آشکار می‌سازد، اما معنای هسته‌ای همچنان در همه بافت‌ها وجود دارد (میلر^۶ و جانسون لرد^۷، ۱۹۷۶؛ هرزکویتس^۸، ۱۹۸۶).

دوم، حروف اضافه از نمونه‌های بارز چندمعنایی واحدهای زبانی هستند که همواره یکی از معانی آنها پیش‌نمونه^۹ محسوب می‌شود. در این مورد نیز با دو نکته مواجه می‌شویم (ناوارو فرراندو، ۲۰۰۰):

الف- نمونه اعلی را نظامی مبتنی بر قانون برتری^{۱۰} تعیین می‌کند (سینکی^{۱۱}، ۱۹۸۹).

ب- معانی مختلف یک حرف اضافه از یک طرحواره مفهومی پایه^{۱۲} مشتق می‌شود که این اشتقاق به وسیله برخی شباهت‌های خانوادگی و تبدیل^{۱۳} طرحواره‌های مفهومی به

1- categorization	10- preference rule system
2- core sense	11- Cienki
3- context	12- basic image schema
4- Leech	13- transformation
5- Bennett	14- semantic features
6- Miller	15- spatial relations
7- Johnson-Laird	16- abstract mental idealization
8- Herskovits	17- functional element
9- prototype	18- constrained

فیزیکی به حوزه‌های انتزاعی گسترش می‌یابند. بر اساس رویکرد شناختی، تفاوت‌های موجود در توصیف روابط فضایی حروف اضافه در زبان‌های مختلف، به صورت نظام‌مند قابل تبیین و تعریف است. دیگر اینکه، معانی متفاوت یک حرف اضافه خاص به شیوه‌های منظم و قاعده‌مند با هم ارتباط دارند (بروگمن، ۱۹۸۰؛ لیندر^۱، ۱۹۸۲، لیکاف، ۱۹۸۷؛ دیرون^۲، ۱۹۹۳؛ دوئل^۳، ۱۹۹۴؛ وندلویس، ۱۹۹۴؛ تایلر^۴ و ایونز^۵، ۲۰۰۱ و ۲۰۰۳).

روش پیشنهادی تایلر و ایونز برای تعیین مفاهیم متفاوت

ایونز برای تعیین مفاهیم متفاوت حرف اضافه "over" دو مقیاس می‌دهد: الف- به نظر او اگر حرف اضافه شامل مفهومی اضافی باشد، به طوری که این مفهوم در بقیه معانی آشکار نباشد، یک معنا به عنوان معنای متفاوت در نظر گرفته می‌شود. این معنای متفاوت باید شامل معنای غیرفضایی با ترکیبندی متفاوت بین شیء متحرک و زمینه ثابت باشد (تایلر و ایونز، ۲۰۰۳). ب- معنای متفاوت نباید از معنای دیگر و از بافتی که در آن اتفاق می‌افتد حاصل شود، بلکه باید مستقل از بافت^۶ باشد.

روش پیشنهادی ایونز برای تعیین معنای اولیه^۷

تایلر و ایونز (۲۰۰۳: ۴۵-۴۷) به منظور تعیین مفهوم پیش‌نمونه، با استفاده از شواهد زبانی، موارد زیر را در نظر می‌گیرند:

- اولین معنای تأیید شده^۸ (که همان مفهوم پیش‌نمونه است)؛
- غلبه و چیرگی یک معنا در شبکه معنایی^۹؛
- استفاده در ساختهای ترکیبی^{۱۰}؛

- رابطه با بقیه حروف اضافه مکانی؛
- پیشینی دستوری^{۱۱}.

در چهارچوب تحلیل معنایی حروف اضافه و تعیین مفهوم اعلی دو نکته بسیار اهمیت دارد: یکی همان عناصر ترکیب‌بندی است که شامل شیء متحرک و زمینه ثابت است. در حقیقت رابطه مکانی- فضایی است که شیء متحرک و زمینه ثابت را به هم مرتبط می‌سازد؛ و دیگری جنبه کاربردی است که در واقع رابطه تعاملی میان شیء متحرک^{۱۲} (TR) و زمینه ثابت^{۱۳} (LM) را نشان می‌دهد و بر اساس آن ترکیب-بندی مکانی حاصل می‌شود (تایلر و ایونز، ۲۰۰۳).

هر حرف اضافه، رابطه‌ای است فضایی بین LM و TR که تصور می‌شود منظری فضایی را تشکیل می‌دهد. این محتوای مفهومی می‌تواند از مناظر فضایی و مکانی خاص به یک نمایش بسیار انتزاعی و طرح‌واره‌ای، که آن را "منظر اعلی"^{۱۴} می‌نامیم، تبدیل شود. منظر اعلی را، که شامل اطلاعاتی درباره ارتباط LM و TR است، می‌توان با معنای اولیه حرف اضافه یکی دانست. البته این منظر اعلی اطلاعات جزئی مربوط به ماهیت LM و TR و یا اطلاعات اندازه‌نما^{۱۵} مانند شکل دقیق LM و یا میزان تماس آن با T را نشان نمی‌دهد (ایونز و تایلر، ۲۰۰۴).

علاوه بر ترکیب فضایی میان LM و TR، مفهوم برانگیخته شده به وسیله یک حرف اضافه، یک "عامل کاربردی" را نیز دربرمی‌گیرد (ایونز و تایلر، ۲۰۰۴؛ تایلر و ایونز؛ ۲۰۰۱ و ۲۰۰۳). مثلاً، درباره in، ترکیب فضایی احاطه شدن LM به وسیله TR را نشان می‌دهد (تالمی، ۲۰۰۰). اما عامل کاربردی، مفهوم حجم را دربرمی‌گیرد. به نظر جانسون (۱۹۸۷)، عامل کاربردی حجم مواردی مانند

1- Lindner	9- predominance in the semantic network
2- Dirven	
3- Dewell	10- use in composite forms
4- Tyler	11- grammatical prediction
5- Evans	12- trajector
6- context-independent	13- landmark
7- primary sense	14- protoscence
8- earliest attested meaning	15- metric

و تایلر، ۲۰۰۴) که این گسترش معنایی به پیدایش معنای استعاری منجر می شود

۳- روش پژوهش

ماهیت این پژوهش توصیفی تحلیلی و ابزار آن همان ابزار ارائه شده در چهارچوب نظری است. حوزه بررسی پژوهش نیز فارسی نوین است که گسترده اسلام تا کنون می باشد. بدین ترتیب جمله‌هایی که ممکن است در فارسی معاصر کاربرد نداشته باشد نیز بررسی شده‌اند. همچنین نوع و گونه خاصی از فارسی نوین مدنظر نبوده و به طور کلی تمامی امکانات مختلف حرف اضافه "از" مورد نظر بوده است. داده‌های مورد بررسی پیکره-بنیاد هستند و معانی و مثال‌های مربوط به هر حرف اضافه از فرهنگ سخن انوری استخراج شده است. هریک از مفاهیم در چهارچوب ابزارهای معرفی شده به طور جداگانه بررسی و پس از آن بر پایه طرح پیشنهادی تایلر و ایونز، مفهوم پیش‌نمونه براساس غلبه و چیرگی آن مفهوم در شبکه معنایی و ارتباط با بقیه حروف اضافه مکانی تعیین شده است. این مفهوم که از آن بیشترین مفاهیم متفاوت ولی مرتبط منشعب می‌شود، به عنوان مفهوم پیش‌نمونه در نظر گرفته شد که مستقیم یا غیرمستقیم در همه مفاهیم (حتی مفاهیم استعاری) وجود دارد. پس از این مرحله با بررسی مفاهیم و مثال‌های موجود و براساس روش تایلر و ایونز مفاهیم متمایز هر حرف مشخص و نشان داده شد که برخی معانی ارائه شده در فرهنگ سخن نمی‌تواند به عنوان مفهوم متمایز در نظر گرفته شوند. در انتها با قرار دادن مفهوم اولیه حرف اضافه در مرکز و مرتبط ساختن مفاهیم متمایز در اطراف آن، شبکه روابط معنایی این حرف اضافه فارسی رسم شد.

موقعیت^۱، تعیین حدود^۲، حمایت^۳ و احتمال پنهان شدن TR را در خود دارد. با تکیه بر همین ویژگی می‌توان تحلیل کرد که منظر اعلی یا معنای اولیه یک حرف اضافه معنایی است که ترکیب فضایی و عامل کاربردی را به صورت کامل در برگیرد (ایونز و تایلر، ۲۰۰۴).

ایوانز و تایلر به دو ویژگی شناختی درباره مناظر فضایی اشاره می‌کنند:

الف- هر منظر فضایی می‌تواند به طرق مختلف تعبیر و تفسیر شود. هر منظر فضایی را می‌توان از دیدگاه‌های مختلف مشاهده و مفهوم‌سازی کرد. تغییر در دیدگاه، با تغییر در تعبیر آن منظر همراه خواهد بود (لانگاکر، ۱۹۸۷). یک تعبیر به‌خصوص از یک منظر فضایی ممکن است در یک زبان خاص قراردادی شده باشد که در مسئله عدم تطابق^۴ آشکار می‌شود.

ب- عامل معنایی اصلی که با منظر اعلی ارتباط دارد می‌تواند از طریق تکرار الگوهای مشابه (در تجربه انسان از دنیای فضایی فیزیکی) گسترش یابد. انسان‌ها همواره شاهد رخدادهایی هستند که در زندگی آنها و در کنار هم تکرار می‌شوند. ارتباط مفهومی بین این رخدادها را ذهن انسان با پردازش شباهت‌های جزئی ایجاد می‌کند. بر اثر این رخدادهای توأمان، گویشوران برای رساندن معنایی خاص، یکی از این رخدادها را به صورت استعاری و مجازی به جای دیگری به کار می‌برند. این پدیده را "همبستگی تجربی"^۵ می‌نامند (اوگریدی^۶، ۱۹۹۷). همبستگی‌های تجربی معمولاً در زبان بازتاب می‌یابند.

رخدادهای توأمان به تدریج به گسترش نظام‌مند معنای منظر اعلی مربوط به یک حرف اضافه می‌انجامند؛ بدین صورت که ابتدا معنای گسترش یافته‌ای که در زبان تثبیت شده، به شبکه معنایی حرف اضافه وارد می‌شود و هنگامی که معنای گسترش یافته جزئی از این شبکه شد، آن حرف اضافه می‌تواند برای بیان معنایی غیرفضایی - فیزیکی نیز به کار رود. بدین ترتیب حرف اضافه که به طور معمول یک رابطه فضایی - کاربردی بین دو پدیده فیزیکی را بیان می‌کند، می‌تواند معنایی غیرفضایی را نیز دربرگیرد (ایوانز

1- location
2- confinement
3- protection

4- mismatch problem
5- experiential correlation
6- OGrady

۴- تحلیل داده‌ها

در این بخش ابتدا حرف اضافه "از" تحلیل معنایی و سپس براساس نتایج تحلیل‌ها، شبکه روابط معنایی این حرف اضافه ترسیم می‌شود. همه مثال‌ها از فرهنگ سخن استخراج شده‌اند.

۴-۱- تحلیل معنایی حرف اضافه «از»

انوری در فرهنگ سخن برای مدخل «از» ۲۷ مفهوم ارائه می‌دهد که عبارت‌اند از:

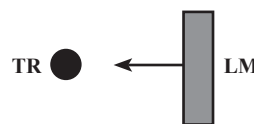
۱- مفهومی برای بیان منشأ چیزی:

- ناراحتی‌شان از من است.

LM TR

- آب استخر از چاه است.

TR LM



در اینجا بر اساس طر حواره، با یک زمینه ثابت جهت‌مند روبه‌رو هستیم. سراجیان اردستانی (۱۳۸۸) عقیده دارد که در مثال اول زمینه ثابت (من) به عنوان یک محور عمودی و متقارن منطبق بر بدن انسان درک شده و به سمت شیء متحرک جهت‌گیری می‌کند. منشأ این مفهوم جهت‌گیری بدن انسان است. نتیجه کاربردی این ترکیب‌بندی مکانی این است که شیء متحرک به زمینه ثابت دسترسی دارد و به عنوان چیزی که در پی زمینه ثابت می‌آید در نظر گرفته می‌شود. اما به باور نگارنده، این مثال نمونه خوبی برای مفهوم پیش‌نمونه نیست، زیرا بیشتر از اینکه به منشأ ناراحتی پردازد، به دلیل و علت ناراحتی اشاره دارد که بعداً به آن خواهیم پرداخت. در معنای پیش‌نمونه‌ای «از» مفهوم دلالت وجود ندارد. اما مثال دوم برای مفهوم پیش‌نمونه‌ای درست است، زیرا دقیقاً به سرچشمه و مبدأ آب استخر اشاره کرده است.

مفهوم مبدأ و منشأ چیزی بودن به عنوان مفهوم پیش‌نمونه برای حرف اضافه «از» در نظر گرفته می‌شود، زیرا مفهوم اول معانی اضافی دیگری نیز در بردارد که در جای خود بدان اشاره خواهد شد. در شبکه معنایی در نظر گرفته شده، غیر از مفاهیم خوشه چندمعنایی، همه مفاهیم حرف اضافه «از»، که خارج از حوزه مکان قرار دارند،

در خوشه استعاری قرار می‌گیرند. علامت ستاره نشان‌دهنده مفهیمی است که مفاهیم متمایز در نظر گرفته نمی‌شوند.

* مفهومی برای بیان انتساب به جایی:

- ۱۰- کشتی‌گیر از ایران در مسابقات شرکت کردند.

LM TR

در اینجا نیز به مبدأ کشتی‌گیران که ایران است اشاره شده و باز هیچ مفهوم اضافه‌ای به شبکه نیفزوده است؛ در نتیجه، به‌عنوان یک مفهوم متفاوت در نظر گرفته نمی‌شود.

۲- خوشه استعاری^۲:

۲- الف- مفهوم به وسیله اثر:

- این شعر از فردوسی است.

LM R

به نظر می‌رسد در اینجا نیز با همان مفهوم مبدأ و منشأ چیزی سرو کار داریم، اما از آنجا که این مفهوم نیز معنای خلق کردن و تولید کردن چیزی را که قبلاً وجود نداشته در خود دارد، حامل یک معنای اضافی است و به عنوان مفهومی متفاوت در نظر گرفته می‌شود.

۲- ب- مفهوم متعلق به، از آن:

این کتاب از شماست؟

TR LM

این کتاب متعلق به یک فرد است و صاحب کتاب اشاره دارد. در اینجا با یک مفهوم متفاوت سروکار داریم، زیرا در این مفهوم معنای تعلق و ملکیت وجود دارد که در مفهوم پیش‌نمونه به چشم نمی‌خورد.

۲- ج- مفهوم به دلیل، به علت، به سبب:

- از تب مرد.

حرف اضافه «از» مفهوم دلالت و تعلیل را کد گذاری کرده و نگاهت

1- oriented landmark
2- metaphorical cluster

به یک حوزه استعاری صورت گرفته است.

این خوشه نشان‌دهنده نوعی تماس و نزدیکی بین LM و TR است.

۲-د- مفهوم درباره، درخصوص، راجع به:
- از خودت بگو.

۲-ط- ۱- مفهوم به جای، درعوض:
- بدو گفت شاپور که ای نیکبخت

حرف اضافه «از» مفهومی را می‌رساند که از حوزه عینیت خارج است و با حوزه‌های انتزاعی ارتباط دارد، بنابراین در خوشه استعاری شبکه معنایی قرار می‌گیرد.

من این خانه بگزیدم از تاج و تخت (فردوسی)
مفهوم جانشینی با خود دارد (این خانه را به جای تاج و تخت گزیده است).

۲-ه- مفهوم در حال:

۲-ط- ۲- مفهوم درمقابل، در برابر:

- گل به گل و شاخ به شاخ از شتاب
می‌شدم ایدون که شود نشأ آب (نظامی)

- که افراسیاب از بلا پشت توست (فردوسی)
مفهوم «در برابر» کد گذاری شده است (افراسیاب در مقابل خطر

از تو حمایت می‌کند).

در اینجا حرف اضافه «از» حالت شیء متحرک را مشخص می‌کند و به معنای شتابان و با شتاب است که می‌تواند در این مفهوم با حرف اضافه «با» هم معنایی داشته باشد.

۲-ط- ۳- مفهوم نسبت به، درمقایسه با:

- تهران از تبریز بزرگتر است.

۲-و- مفهوم برعهده، وظیفه:

- از من گفتن بود.

در این مفهوم حرف اضافه «از» حاکی از آن است که شیء متحرک در یک ویژگی خاص با یک زمینه ثابت مقایسه و سنجیده می‌شود.

مفهوم وظیفه و مسئولیت را در خود دارد و دارای معنای اضافی است، پس به عنوان مفهومی متفاوت در شبکه قرار می‌گیرد.

۲-ط- ۴- مفهوم تشخیص و تمایز:

- دوست از دشمن نمی‌شناسد.

LM TR

۲-ز- مفهوم جنس، نوع و مقوله:

- سقف خانه از آهن است.

- دیگر از این کارها نکن.

در اینجا حرف اضافه «از» تفاوت میان شیء متحرک و زمینه ثابت را مشخص می‌کند.

در این مفهوم «از» نشان‌دهنده مقوله، نوع و جنس شیء متحرک است.

۲-ی- خوشه شمول:

۲-ی- ۱- نشان‌دهنده جزء:

۲-ح- مفهومی برای بیان اندازه یا مقداری از چیزی:

- چیزی از شب نگذشته بود.

- یک تکه از کیک باقی مانده است.

- ۴- خوشه حذف جزء ترکیبی^۲:
به نظرنگارنده، مفاهیم این خوشه حروف اضافه مرکبی بوده‌اند که در گذر زمان جزء ترکیبی آنها حذف شده است.
۴- الف - مفهوم از طریق، توسط:
- از آهنگری شکم زن و بچه اش را سیر می‌کند.
حرف اضافه «از» در اینجا نشانگر آن است که عملی با واسطه و از طریق عمل یا چیز دیگری انجام می‌پذیرد. البته در اینجا نوعی هم‌معنایی با حرف اضافه «با» نیز وجود دارد.
- ۴- ب - مفهوم از جهت، از لحاظ، از بابت:
- از زیبایی نظیر ندارد.
- نه از بچه شانس داشتیم، نه از شوهر.
حرف اضافه «از» مفهوم «از جهت» را کد گذاری کرده و وارد حوزه انتزاع شده است. در اینجا نیز «از» نوعی هم‌معنایی با حرف اضافه «در» نشان می‌دهد.
- ۴- ج - مفهوم از روی، به حکم:
- چون از خرد نگری ... واجب کند که ... (عنصرالمعالی)
مفهوم «از روی» کد گذاری شده است.
- ۴- د - مفهوم از سوی، از طرف:
- آفتاب از مشرق طلوع می‌کند.
LM TR
در اینجا منشأ طلوع آفتاب مشرق است و از نشاندهنده سمت و جهت است که در گذر زمان بخش ترکیبی آن (سوی یا طرف) حذف شده است.
- ۵- مفهومی برای نشان دادن ابتدای مکان یا زمان یا امری:

- از دبیران نمونه بود.

این مفهوم برای بیان یک یا چند جزء از یک گروه یا مجموعه به کار می‌رود.

۲- ی - ۲- مفهوم شامل:

- همه آمده بودند از معلمان، اولیای بچه‌ها و ...

این مفهوم که برای تفسیر و شرح مطالب اجمالی به کار می‌رود، مفهوم «شامل» را کدگذاری می‌کند و کلیتی را نشان می‌دهد که قبلاً بدان اشاره شده است.

۳- خوشه هم‌معنایی^۱:

در این خوشه حرف اضافه با حروف دیگری هم‌معناست که می‌توانند به جای یکدیگر به کار روند.

۳- الف - مفهوم در:

- به تور از میان سخن سلم گفت / ... (فردوسی)

۳- ب - مفهوم کسره اضافه:

- سرت گر بساید برابر سیاه سرانجام خاک است از او جایگاه (فردوسی)

۳- ج - مفهوم را:

- ابوریحان از این حال بازی ندانسته بودی؟ (نظامی عروضی)

۳- د - مفهوم به:

- پس عوانان آمدند او طفل را
در تنور افکند از امر خدا (مولوی)

۳- ه - مفهوم با:

- کنگره ویران کنید از منجنیق (مولوی)

1- polysemy cluster

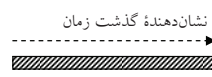
2- compounded part deletion cluster

معنایی اضافه بر معنای موجود در مفهوم پیش نمونه و نیز مستقل بودن از بافت، مفاهیم متمایز حروف اضافه "از" مشخص و با توجه به نوع و میزان ارتباط با مفهوم پیش نمونه در خوشه بندیهای متفاوت دسته بندی و سپس با ساختاری شعاعی به مفهوم پیش نمونه (که در مرکز شبکه قرار داشت) متصل شدند. این ساختار شعاعی نشان داد که هر مفهوم در شبکه معنایی چه جایگاهی دارد و این مفاهیم چگونه به یکدیگر و در نهایت به پیش نمونه مرتبط می شوند. بنابراین با استفاده از مفاهیم پیش نمونه و متمایز می توان میان همه مفاهیم یک حرف اضافه ارتباط برقرار کرد، زیرا همه مفاهیم به نوعی از مفهوم پیش نمونه منشعب می شوند و این ساختار شعاعی در نهایت به شکل گرفتن شبکه معنایی حرف اضافه مورد نظر می انجامد.

نتایج پژوهش حاضر مؤید آن است که:

- 1- مفاهیم به دست آمده از تعاملات انسانی در دنیای فیزیکی - فضایی، بیشتر به عنوان روابط گشتالتی و طرح-وارهای تصویری موجود در طبیعت نمایانده می شوند تا گزاره های زبانی یا مجموعه ای از ویژگی های معنایی (لانگاکر، ۱۹۸۷). بنابراین نمی توان معانی متعدد یک حرف اضافه را فقط با استفاده از مجموعه ویژگی های معنایی تعبیر نمود بلکه توجه به روابط فضایی و طحاره موجود بین شیء متحرک و زمینه ثابت اهمیت دارد. تعمیم مناظر فضایی باعث ایجاد تعمیم های طحاره های و انتزاعی در ذهن می شود که پاسخی به مشاهده و تجربه پدیده های فیزیکی است که روابط فضایی مشابهی دارند. این انتزاع را منظر اعلی می نامیم. به این ترتیب، هر حرف اضافه از رابطه فضایی بین دو پدیده یک آرمانگرایی ذهنی انتزاعی را می نمایاند (ایوانز و تایلر، ۲۰۰۵).

1- instrumental items
2- lexical items



- از تهران تا کرج خوابیدم.
 - از صبح تا شب درس خواندم.
 - از شکست تا پیروزی فاصله کوتاه است.
- در مثال اول «از» نشانگر ابتدای مکان است، اما در مثال دوم نگاهت مورد نظر از حوزه مکان به حوزه زمان انتقال میابد. در مثال سوم نیز با استعاره های مواجهایم که در آن انتقال از حوزه مکان به زمان غیرمستقیم است، زیرا فاصله «زمان شکست» تا «زمان پیروزی» مدنظر است؛ بنابراین در هر دو مثال نگاهت استعاری از یک حوزه زمانی صورت گرفته است.

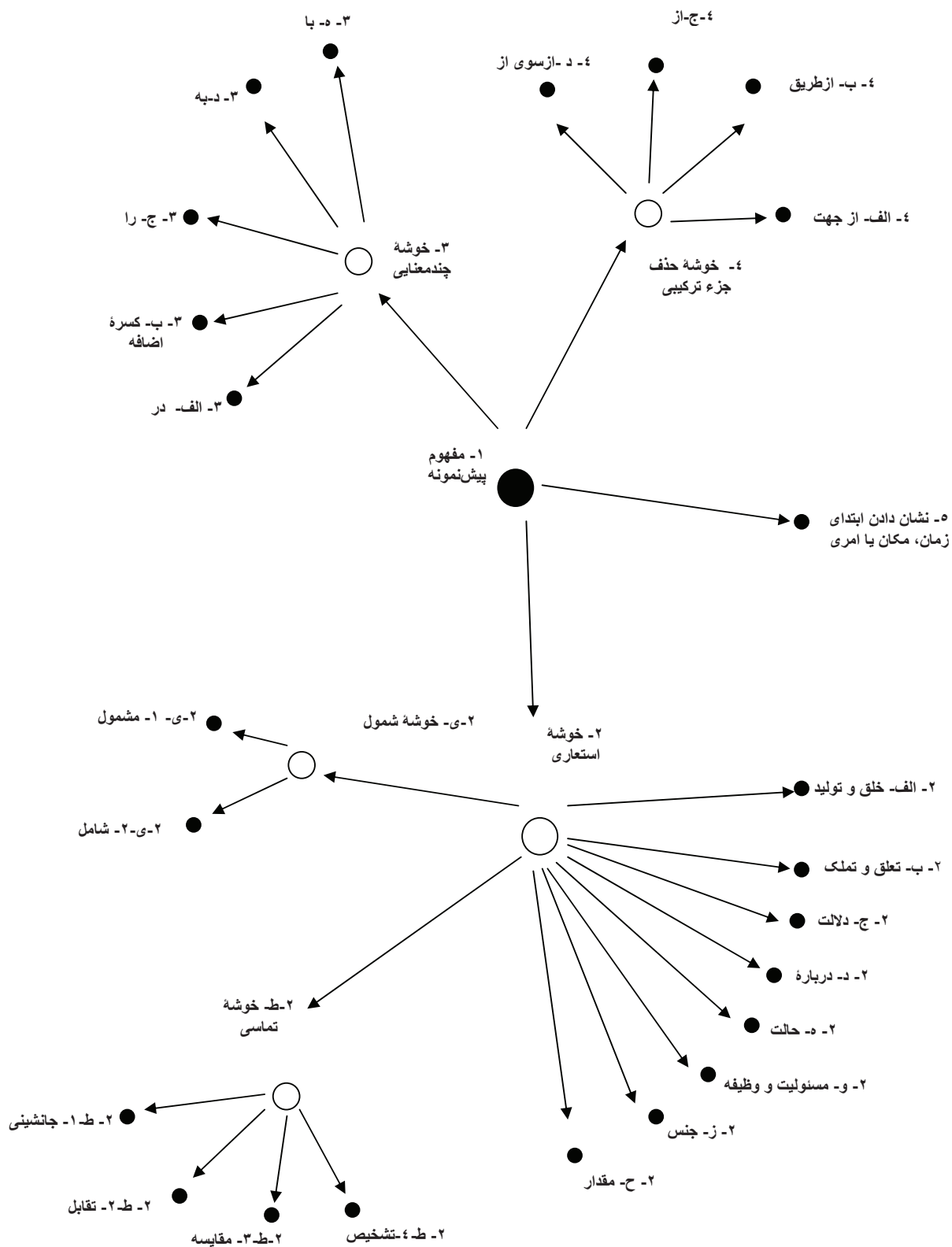
۵- نتیجه گیری

تا پیش از طرح رویکرد شناختی، زبان شناسان به حروف اضافه به صورت واحدهای ابزاری^۱ نگاه می کردند؛ یعنی واحدهایی که مفهوم مستقل ندارند و معنای خود را از سایر واحدهای جمله از قبیل فعل می گیرند و فقط وسیله ای هستند برای برقراری ارتباط میان سایر واحدهای زبانی. اما در رویکرد شناختی، حروف اضافه واحدهای واژگانی^۲ مستقل هستند؛ مقوله هایی مفهومی و دارای ساختارهای مشخص معنایی که باید به اندازه دیگر مقولات و گاهی بیشتر از آنها مورد بررسی و مطالعه قرار گیرند.

این پژوهش نشان داد که با توجه به ملاک های تایلر و ایوانز (۲۰۰۳ و ۲۰۰۴) برای تعیین مفهوم پیش نمونه (مانند اولین معنای متبادر شده به ذهن، مفهوم دارای بیشترین بسامد وقوع، ترکیب پذیری و ارتباط با سایر حروف اضافه مکانی)، برای حرف اضافه «از» (در زبان فارسی) نیز می توان مفهوم پیش نمونه را مشخص و کارآمدی الگوی پیشنهادی آنها را در این زمینه مشخص کرد.

در این پژوهش، مفهوم پیش نمونه های این حرف به عنوان مفهوم کانونی در شبکه معنایی قرار گرفت و مفاهیم متمایز از آن منشعب شدند. با توجه به الگوی پیشنهادی و نیز ملاک های تعیین مفهوم متفاوت تایلر و ایوانز؛ یعنی وجود

۲-۴- شبکه معنایی حرف اضافه «از»



صورتی نظام مند و باقاعده انگیزاننده می شوند (ایوانز و تایلر، ۲۰۰۵).

۴) معنای اولیه هر حرف اضافه مفهومی است که مستقیم یا غیرمستقیم در همه مفاهیم مرتبط وجود دارد و مفاهیم دیگر باید معنایی اضافه را به معنای اولیه بیفزایند تا به عنوان معنای متفاوت در شبکه قرار گیرند.

دریافت مقاله: ۸۹/۱۱/۱۹ پذیرش مقاله: ۹۰/۲/۱۳

۲- روابط فضایی خاص میان پدیده‌ها برای انسانها نتایج معناداری به دنبال دارند که به عنوان بخشی از تعبیر آن حرف در نظر گرفته می شوند.

۳- گستره معنایی هر حرف اضافه براساس معنای فضایی اولیه (منظر اعلی) به همراه مجموعه‌ای از ویژگی‌های شناختی تبیین پذیر است. بنابراین، تمامی معانی مرتبط با یک لفظ فضایی ویژه، به وسیله معنای فضایی اولیه و به

منابع:

- دبیرمقدم، م. (۱۳۸۶). زبان‌شناسی نظری پیدایش و تکوین دستور زایشی. تهران: سمت.
- رضایی، ح. (۱۳۸۲). استعاره در زبان فارسی براساس زبان‌شناسی شناختی. پایان نامه کارشناسی ارشد زبان شناسی همگانی، دانشگاه اصفهان.
- سراجیان اردستانی، م. (۱۳۸۸). بررسی معنایی حروف اضافه در فارسی در قالب نظریه معناشناسی شناختی. پایان نامه کارشناسی ارشد زبان شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز.
- صفوی، ک. (۱۳۷۹). درآمدی بر معنی شناسی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.
- گلفام، ا. (۱۳۸۵). اصول دستور زبان. تهران: سمت.
- گلفام، ا. و یوسفی راد. ف (۱۳۸۵). رویکرد معناشناسی شناختی به حروف اضافه مکانی زبان فارسی از منظر آموزشی، مطالعه موردی: حرف اضافه در. نشریه پژوهش ادبیات معاصر جهان. ۱۴ (۵۶)، ۱۶۷-۱۷۹.
- نقی زاده، م. (۱۳۸۴). مقایسه حروف اضافه مکانی در فارسی و انگلیسی براساس زبان شناسی شناختی. پایان نامه کارشناسی ارشد زبان شناسی همگانی، دانشگاه اصفهان.
- یوسفی راد، ف. (۱۳۸۲). بررسی استعاره زمان در زبان فارسی در چهارچوب شناختی. پایان نامه کارشناسی ارشد زبان شناسی همگانی، دانشگاه تربیت مدرس.
- یوسفی راد، ف. (۱۳۸۷). بررسی شناختی زبان فارسی با نگاهی ویژه به حروف اضافه مکانی. رساله دکتری زبان شناسی همگانی، دانشگاه تربیت مدرس.

Bennett, D. C. (1975). *Spatial and temporal uses of English prepositions: An essay in stratificational semantics*. London: Longman.

Böers, F. (1996). *Spatial prepositions and metaphor: A cognitive semantic Journey along the up-down and front-back dimensions*. Tübingen: Gunter Narr Verlag.

Brugman, C. (1980). *The story of over: Polysemy, semantics, and the structure of the lexicon*. New York: Garland.

Cienki, A. J. (1989). *Spatial cognition and the semantics of prepositions in English, Polish, and Russian*. München: Verlag Otto Sagner.

Croft, W., & Cruse, A. (2004). *Cognitive linguistics*. Cambridge: Cambridge University Press.

Cuyckens, H. (1994). Family resemblance in the Dutch spatial prepositions op. In M. Schwarz (Ed.), *Cognitive semantics* (pp. 175-195). Tübingen: Gunter Narr.

Cuyckens, H. (1995). Family Resemblance in the Dutch spatial prepositions dood and langs. *Cognitive linguistics*, 6(2 - 3).

Dewell, R. B. (1994). Over again: Image-schema transformation in semantic analysis. *Cognitive Linguistics*, 5(4), 351-380.

Dirven, R. (1993). Dividing up physical and mental space into conceptual categories by means of English prepositions. In W. Zelinsky (Ed.), *The semantics of prepositions* (pp. 73 -97). Berlin: Mouton de Gruyter.

Evans, V., & Tyler, A. (2004). Spatial experience, lexical structure

and motivation: The case of In. In G. Radden & K. Panther (Eds.), *Studies in linguistic motivation* (pp. 157 - 192). Berlin: Mouton de Gruyter.

Evans, V., & Tyler, A. (2005). Applying cognitive linguistics to pedagogical grammar: The English prepositions of verticality. *Revista Brasileira de Linguística Aplicada*, 5(2), 11 - 42.

Fauconnier, G. (1985). *Mental spaces: Aspects of meaning construction in natural language*. Cambridge: Cambridge University Press.

Herskovits, A. (1986). *Language and spatial cognition: An introductory study*. Cambridge: Cambridge University Press.

Johnson, M. (1987). *The body in the mind: The bodily basis of reason, thought and imagination*. Chicago: Chicago University Press.

Lakoff, G. (1987). *Women, fire and dangerous things: What categories reveal about the mind*. Chicago: Chicago University Press.

Lakoff, G., & Johnson, M. (1980). *Metaphors we live by*. Chicago: Chicago University Press.

Langacker, R. (1987) *Foundations of cognitive grammar, Vol. 1: Theoretical prerequisites*. Stanford: Stanford University Press.

Langacker, R. (1991). *Foundations of cognitive grammar*. Stanford, CA: Stanford University Press.

Lee, D. (2001). *Cognitive linguistics: An introduction*. Oxford: Oxford University Press.

- Leech, G. N. (1969). *Towards a semantic description of English*. London: Longman.
- Lindner, S. (1981). *A lexico-semantic analysis of English verb-particle constructions with out and up*. Unpublished doctoral dissertation, University of California, San Diego.
- Miller, G., & Johnson-Laird, P. (1976). *Language and perception*. Cambridge, Mass: Harvard University Press.
- Navarro Ferrando, I. (1998). A multimodal system for the description of spatial semantics: The preposition on. In J. L. Cifuentes Honrubia (Ed.) *Estudios de Lingüística Cognitiva II* (pp. 767-787). Alicante: Universidad de Alicante, Departamento de Filología Española, Lingüística General y Teoría de la Literatura.
- Navarro Ferrando, I. (2000). A Cognitive-semantic analysis of the English lexical unit in. *Cuadernos de investigación filológica*, 26, 189220-.
- O'Grady, W. (1997). *Syntactic development*. Chicago: University of Chicago Press.
- Sandra, D., & Rice, S. (1995). Network analyses of prepositional meaning: Mirroring whose mind- the linguist's or the language user's? *Cognitive Linguistics*, 6(1), 89-130.
- Schulze, R. (1994). "Image schemata and semantics of off". In M. Schwartz (Ed.), *Cognitive semantics* (pp.197-213). Tübingen: Gunter Narr.
- Talmy, L. (2000). *Toward a cognitive semantics-Vol I: Conceptual structuring system*. Cambridge, MA: MIT Press.
- Tyler, A., & Evans, V. (2001). Reconsidering prepositional polysemy networks: The case of Over. *Language*, 77(4), 724-765.
- Tyler, A., & Evans, V. (2003). *The semantics of English prepositions: Spatial scenes, embodied meaning and cognition*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Tyler, A., & Evans, V. (2004). Applying cognitive linguistics to pedagogical grammar: The case of 'over'. In M. Archad & S. Niemer (Eds.). *Cognitive linguistics, second language acquisition and foreign language teaching* (pp. 257 -280). Berlin: Mouton de Gruyter.
- Vandeloise, C. (1991). *Spatial prepositions: A case study in French*. Chicago: University of Chicago Press.
- Vandeloise, C. (1994). Methodology and analyses of the preposition. *Cognitive Linguistics*, 5(2), 157-184.